

بیمار خاموش

الکس مایکلیدیس

ترجمه‌ی مریم حسین نژاد



نشر سنگ

www.ketab.ir

www.ketab.ir



نشان استاندارد بین‌المللی محیط زیست کاغذ پاک FSC

برای تولید این کاغذ فرایند شیمیایی انجام نمی‌گیرد، دوباره به چرخه‌ی طبیعت بازمی‌گردد و محیط زیست را آلوده نمی‌کند.

سرشناسه: میکلیدیس، الکس، ۱۹۷۷-م. Michaelides, Alex, 1977-

عنوان و نام پدیدآور: بیمار خاموش / الکس مایکلیدیس؛ مریم حسین نژاد.

مشخصات نشر: تهران: نشر سنگ، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۳۳۰ ص. / شابک: 978-622-95827-0-1 / وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The silent patient, 2019.

موضوع: داستان‌های انگلیسی — قرن ۲۱م. / موضوع: English fiction — 21th century

شناسه افزوده: حسین نژاد، مریم، ۱۳۵۴ — مترجم

رده‌بندی کنگره: PZ۴ / رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۲ / شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۵۶۹۲۷۲۸



سایت نشر سنگ:

www.sangpublication.ir

پست الکترونیک در فضای مجازی:

@sangpublication

پست الکترونیک نشر سنگ:

sangpublication@gmail.com

شماره‌ی تماس و فضای مجازی: ۰۹۳۸ ۱۹۴۳۸۷۰

بیمار خاموش

رمان‌های روز دنیا - ۷

نویسنده: الکس مایکلیدیس

مترجم: مریم حسین‌نژاد

ناشر: سنگ

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۸

چاپ شانزدهم: پاییز ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۸۳۷-۰-۱

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر سنگ است.

پیش‌گفتار

دفتر خاطرات آلیسیا برنسون

۱۴ جولای

نمی‌دانم چرا این را می‌نویسم.

حقیقت ندارد. شاید نمی‌دانم و فقط نمی‌خواهم چنین اجازه‌ای به خودم بدهم. حتی نمی‌دانم نامش را چه بگذارم؛ چیزی که می‌نویسمش. حس می‌کنم می‌شود آن را دفتر خاطرات نامید. شبیه گفته‌هایی نیست که تاکنون بر زبان آورده‌ام. آنه فرانک^۱ دفتر خاطرات داشت، نه شخصی مثل من. نام «دفتر وقایع روزانه» هم خیلی برایش آکادمیک است، چون باید هر روز در آن بنویسم و چنین قصدی ندارم. تا قبل به کاری روزانه نبود، هیچ وقت آن را نگاه نخواهم داشت.

شاید نباید برای آن هیچ اسمی بگذارم. چیز بی‌نامی که گاهی در آن می‌نویسم. حالا بهتر شد. وقتی چیزی را به نام بخوانید، شما را وامی‌دارد بایستید و تمامش را ببینید یا سر درآورید که چه اهمیتی دارد. شما روی واژه متمرکز می‌شوید که ریزترین بخش و درواقع نوک کوه یخ است. هرگز با واژه‌ها این قدر راحت نبوده‌ام. همیشه به تصاویر می‌اندیشم و خودم را در آن‌ها تعریف می‌کنم. اگر به خاطر گابریل نبود، هیچ وقت نوشتنش را شروع نمی‌کردم.

۱. نویسنده‌ی یهودی آلمانی، متولد شهر فرانکفورت که پس از مرگش به واسطه‌ی چاپ دفتر خاطراتش (خاطرات یک دختر جوان) به شهرت رسید.

این اواخر به خاطر برخی چیزها حس می‌کنم افسرده‌ام. فکر می‌کردم با مخفی کردنش کار خوبی می‌کنم، اما او متوجه شد. البته او همه چیز را می‌فهمد. پرسید نقاشی چه‌طور پیش می‌رود و من گفتم که پیش نمی‌رود. لیوان شرابی به من داد و در حالی که او سرگرم پخت و پز بود، من پشت میز آشپزخانه نشستم.

دوست دارم گابریل را تماشا کنم که در آشپزخانه می‌چرخد. آشپز برازنده‌ای است. عالی، کاردرست و فوق‌العاده. برخلاف من که فقط خرابکاری می‌کنم.

گفت: «با من حرف بزن!»

«حرف ندارم فقط گاهی حسایی در خودم فرو می‌روم. حس می‌کنم توی گل شلپ‌شلپ می‌کنم.»

«چرا سعی نمی‌کنی آن‌ها را بنویسی؟ برخی چیزها را ثبت کنی. شاید کمکت کند.»

«بله. فکر کنم درست می‌گویی. سعی خواهم کرد.»

«فقط حرف نزن عزیزم! انجمن بد!»

«انجام می‌دهم.»

به سرزنشم ادامه داد، اما من خردی نکردم و چند روز بعد این دفترچه را نشانم داد تا در آن بنویسم. جلدی چرمی و سیاه و صاف و بزرگ و خالی زیادی دارد. سرم را روی نخستین صفحه‌ی دفتر گذاشتم و نرمی‌اش را حس کردم. ملایم را تراشیدم و شروع کردم. حق با او بود. حال بهتری دارم. نوشتن یک جور آژانس‌سازی است. یک جور تخلیه که می‌توانی با آن خودت را شرح دهی. به نظرم چیزی مثل درمان است.

گابریل حرفی نزد، اما می‌توانستم حس کنم که حواسش به من است و اگر بخواهم راستش را بگویم، نوشتن این دفتر خاطرات را از این رو از سر گرفتم که گابریل را خاطرجمع کنم و ثابت کنم که حالم خوب است. هیچ وقت نمی‌خواهم باعث ناراحتی او شوم یا کاری کنم که غمگین شود یا دردی حس کند. گابریل را خیلی دوست دارم. بی‌تردید او عشق زندگی من است. آن قدر زیاد دوستش دارم که گاهی خودم را از یاد می‌برم. گاهی فکر می‌کنم... نه. نمی‌خواهم درباره‌اش بنویسم.

این‌ها حاوی ایده‌ها و تصاویری خواهند بود که به شکل هنرمندانه‌ای به من الهام شده‌اند و اثر خلاقانه‌ای بر من داشته‌اند. من قصد دارم فقط از افکار مثبت، شاد و عادی برای تان بنویسم.

و به افکار دیوانه‌کننده اجازه‌ی ظهور نخواهم داد.

www.ketab.ir